

امر ملی، تبعیض اعتقادی و قالیباف



احمد زی‌آبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس برای دومین بار در روزهای اخیر تأکید کرده است: «بایدباور کنیم کههسته‌سخت‌ایرانیان ۹۰ میلیون نفر است.» این تأکید ظاهراً برای رد نظر آن افرادی است که جمع محدود خود را «هسته‌سخت‌نظام» معرفی می‌کنند و اصرار دارند که حکومت به جای پیگیری مطالبات عموم مردم، تنها باید به دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و به زبان واضح‌تر، به منافع ومطالبات آنان توجه کند چراکه آنان به‌زم خویش پایگاه اجتماعی سرسخت نظام به‌شمار می‌روند و در «روز واقعه» به دفاع از آن برمی‌خیزند. واضح است که سخن این عدهٔ محدود از هر جهت امری «ضدملی» است و بر تبعیض‌عریان و طبقاتی کردن جامعه و درجه‌بندی ظالمانهٔ شهروندان استوار است. ظاهراً آقای قالیباف با تکرار گزارهٔ «هستهٔ سخت ایرانیان ۹۰ میلیون نفر است» می‌کوشد صف خود را از آن جماعت محدود جدا کند و در موضع دفاع از حق و حقوق ملی ایرانیان بنشینند. از قدیم اما گفته‌اند که با «حلوا حلوا» گفتن دهان شیرین نمی‌شود. «وعدة لفظی نیاز به تحقق عینی دارد وگرنه به‌سوءاستفاده از کلام حق تعبیر می‌شود.

تردید ی نیست که ریشهٔ بسیاری از ناراضیاتی‌های جامعهٔ ایرانی از وضع موجود، تبعیض است. تبعیض در یک جامعه می‌تواند نژادی یا طبقاتی یا عقیدتی باشد. آنچه جامعهٔ ایرانی را عمیقاً رنج می‌دهد رواج گستردهٔ تبعیض اعتقادی است. بنای تبعیض هم متأسفانه از همان ابتدای انقلاب و با شکل‌گیری هیئت‌های گزینش‌پایه نهاده شد. این هیئت‌ها به جای آنکه صلاحیت حرفه‌ای و علمی و سلامت شخصیت شهروندان را برای تصدی یک شغل دولتی ملاک و معیار قرار دهند، عملاً به محکمه‌های تفتیش عقیده تبدیل شدند و عقاید مذهبی و نوع گرایش سیاسی افراد را ملاک پذیرش آنان برای اشغال مناصب قرار دادند! این حرکت انحراف کامل از «امر ملی» بود و در دوره‌هایی بخصوص در دورهٔ سلطهٔ «خالص‌سازان» تا سر حد ممکن تشدید شد. اقتضای بدیهی امر ملی، پذیرش حقوق برابر عموم شهروندان از هر قوم و جنس و اعتقاد و زبان و گرایشی است و ملاک توزیع مشاغل و مناصب در بین آنان فقط شایستگی حرفه‌ای و میزان تخصص و دانش آنان است. متأسفانه با مخدوش کردن این ملاک‌ها و به میان آوردن ملاک‌های عقیدتی و سیاسی، چه بسیار افراد بی‌لیاقت و بی‌کفایت و بی‌دانشی که به‌صرف اظهار خشکه‌مقدسی و سرسپردگی سیاسی، به موقعیت‌های مختلف اداری و اقتصادی و دولتی و دانشگاهی دست یافتند و چه بسیار جوانان لایق و شایسته و متخصص و اهل دانشی که قربانی نوع عقاید و گرایش سیاسی خود شدند و به خیال محذوفان جامعه پیوستند. این دسته از جوانان به دلیل تبعیض‌های ناروا، دچار چنان خشم متمرکمی شده‌اند که گاه با هیچ کلامی نمی‌توان آرام‌شان کرد.

بدیخته‌ای برای نفی «امر ملی» و توجیه تبعیض اعتقادی، ادبیاتی تحت پوشش دیانت تولید و منتشر شده است که سرتاسر آن مغلطه و سفسطه و تحریف دیانت است و چون امکان بازشکافی آزاد و امن این مغلطه‌ها و سفسطه‌ها در سطح عموم، ممکن نبوده است، حاملان و مروجان این ادبیات، آن را به عنوان «حقایق ازلۃ دین» معرفی کرده و هرگونه تشکیک نسبت به امتیازات ویژه و تبعیض‌آمیز خود را با ابزار اتهام بی‌دینی در معرض تهدید و خطر قرار می‌دهند.

در واقع مسلمانان صدر اسلام با هدف قرار دادن نظام تبعیض‌آمیز عصر ساسانی توانستند نظر ایرانیان را به سوی اسلام جلب کنند حال چگونه قرائتی از اسلام در ایران ترویج می‌شود که توجیه‌گر تبعیض آشکار است؟ استاد محمدعلی موحد در مورد دلیل شکست ساسانیان از عرب‌های مسلمان می‌نویسد: «مهم‌ترین نقطه ضعف ایران همان نظام طبقاتی و تقسیم جامعه به فرادست و فرودست بود

و نمایندگان عرب سر هر بزرگاه تلنگری به آن می‌زدند و از برادری و برابری در اسلام سخن می‌گفتند؛ و پیداست که این سخنان هم بر فرادستان گران می‌آمد و هم حساسیت‌فرودستان را بر می‌انگیخت.» (در کشاکش دین و دولت، ص ۱۱۴)

به هر حال، اگر آقای قالیباف با سخنان تازهٔ خود در پی جداسری از این جماعت منتفع و حرکت به سمت احیای امر ملی است، راه آن مقابلهٔ عملی با قوانین تبعیض‌آمیز و هموار کردن راه برای اعادهٔ حقوق برابر عموم شهروندان ایران است. روشن است که با توجه به انتفاع همان عده از شرایط موجود، این کاری دشوار است و از یک مسئول و چند مسئول بر نمی‌آید. برای تحقق آن باید ائتلافی از باور‌مندان به امر ملی شکل گیرد. با این حال، کارهایی از رئیس مجلس در کوتاه‌مدت برمی‌آید که با تلاش در جهت تحقق آنها، می‌تواند اعتماد بخش بزرگی از جامعه را نسبت به رویکرد گفتمانی جدید خود جلب کند. یکی از این کارها، تسهیل قانونی رفت و آمد ایرانیان خارج از کشور به داخل کشور است. از زمان ریاست جمهوری مر حوم هاشمی‌فسنجانی تاکنون هر رئیس جمهوری که به‌پاستوره راه یافته وعدهٔ بازگشت امن جامعهٔ بزرگ ایرانی به داخل کشور را مطرح کرده است، اما نه‌فقط هیچ‌کدام توفیقی در تحقق این وعده نداشته‌اند بلکه با گذشت زمان، گره آن کلاف کورت شده است. در واقع دیگر نه کسی این نوع وعده‌ها را جدی می‌گیرد و نه امیدی به انجام آن دارد! راز این ماجرا چیست؟ بدون شک کارشکنی همان جماعتی که از نفی امر ملی و وجود تبعیض اعتقادی منتفع می‌شوند!

در روزهای پیش از جنگ ۱۲ روزه، علی‌اکبر موسوی‌خوئینی نمایندهٔ مجلس ششم با کمک و همراهی نهاد ریاست جمهوری توانست از آمریکا به ایران سفر کند و بدون بروز مشکلی بازگردد. وقتی در یک رستوران با او روبه‌رو شدم، خوشحالی اش غیر قابل وصف بود. می‌گفت گویی خواب می‌بیند و دیدن دوستان باور ش نمی‌شود! با توجه به این تجربه، به جای برداشتن سنگ بزرگ، چرا سران قوا به عنوان گام نخست و کوچک، خود پیشقدم نمی‌شوند یا دعوت رسمی از چهره‌های علمی و فرهنگی گرفتار آمده در بلاد غربت برای سفر امن و تضمین شده به وطن، این راه را نمی‌گشایند؟ چنین دعوتی می‌تواند از دکتر عبدالکریم سروش آغاز شود و با دیگر چهره‌ها استمرار یابد تا به یک رویهٔ عادی تبدیل شود.

مسئلهٔ دوم، روند فرآینده و روزافزون آمار اعدام در ایران است. این موضوع نگرانی و صدای اعتراض کمیسرعالی حقوق بشر سازمان ملل را بلند کرده است. طبق گزارش او، تعداد اعدام‌ها در شش ماههٔ نخست سال جاری میلادی نسبت به مدت مشابه سال قبل، دو برابر شده و به رقم حیرت‌آور و بی‌سابقهٔ ۶۱۲ تن رسیده است. حتی دولت‌هایی که حاضر به لغو حکم اعدام در کشور خود نیستند، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا شمار اعدامی‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد و این مسئله دستمایهٔ نگرانی مجامع حقوق بشری جهان قرار نگیرد. در کشور اما با لاف‌زن شمار اعدام‌ها گویی اصلاً سبب نگرانی مسئولان نیست و به آن به عنوان یک امر عادی می‌نگرند. سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به ابراز نگرانی شدید کمیسر عالی سازمان ملل گفته مجازات اعدام در ایران مختص شدیدترین جرائم است. از سخنگوی وزارت خارجه می‌توان پرسید: آیا «شدیدترین جرائم» فقط در ایران اتفاق می‌افتند و در دیگر کشورها رخ نمی‌دهد؟ اگر مخصوص ایران است چه زمینه‌های استثنایی سبب گسترش این نوع جرائم در کشور شده است؟ و اگر در همهٔ کشورها رخ می‌دهد پس چرا آمار اعدام در کشور ما نسبت به دیگر کشورها این همه بالاست؟ تأثیر مخرب پدیدهٔ اعدام و بخصوص کثرت آن در یک جامعه روشن‌تر از آن است که نیاز به سخن‌سرایی داشته باشد. بنابراین باز هم به‌عنوان یک گام کوچک عملی، ریاست‌مجلس با همکاری رؤسای سایر قوای می‌تواند با اصلاح فوری قوانین جاری، از حرکت پرشتاب مامشین اعدام بکاهد تا بلکه حرف‌هایش برای احیای امر ملی باورپذیر شود.

رویداد

مخالفت دولت با تعطیلات تابستانی

گروه خبر: سخنگوی دولت از مخالفت هیئت وزیران با طرح تعطیلات تابستانی خبر داد. فاطمه‌مهاجرانی گفت: «پیشنهادهایی مانند تعطیلی چهارشنبه‌ها، شنبه‌ها یا تغییر در تعطیلات هفتگی در دولت بررسی شد، اما هیچ‌یک به تصویب نرسید و این تصمیم با توجه به ملاحظات اقتصادی و اجرایی اتخاذ شده است.» مهاجرانی در ادامه افزود: «در اینکه مادر بحران آب و برق هستیم تردیدی وجود ندارد، اما هرگونه تغییر در تقویم کاری کشور

ادامه سر مقاله

البته، تدرورها دنبال این بودند که مصوبه‌ای مثل حجاب را در موضوع فضای مجازی از مجلس بیرون دهند؛ ولی این بار به نام دولت تا دولت را همچون خودشان بی‌اعتبار کنند. این اقدام دولت برنامه خطرناک آنان را خنثی کرد و به همین دلیل، عصبانی هستند. تعبیر «عقب‌نشینی» در ادبیات تندر وها خیلی رایج است. هر گونه اصلاح و بهبودی را به عقب‌نشینی تعبیر می‌کنند. ادبیات جنگی را بر سراسر زندگی مردم تعمیم و سرایت داده‌اند و تا سرنوشست غزه را برای ایران رقم زنند، «آرام نمی‌گیرند.» اکنون دنبال تصویب طرحی برای قطع مذاکرات تا رفع تحریم از غزه هستند. قبلاً می‌خواستند بروند غزه؛ ترسیدند که آنجا بروند، حالا می‌خواهند همه‌جا را غزه کنند. ذهنیت آنان ساده‌انگارانه

تیتریک

استقبال فعالان سیاسی و رسانه‌ای از اقدام رئیس‌جمهور درباره لایحه صیانت دو

شنید و پس گرفت

گروه خبر: دولت لایحه جنجالی مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی را از مجلس پس گرفت. این خبری بود که روز گذشته فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت چهاردهم اعلام کرد. پس از اونیز مقامات مختلف دولتی درباره این موضوع اظهارنظر کردند. اهل سیاست نیز واکنش‌هایی متفاوت نشان دادند. هر جایی که مقامات دولتی یا فعالان سیاسی در شبکه‌های اجتماعی به‌تمجید از این اقدام پزشکیان پرداختند، واکنش عمومی کاربران منفی بود؛ آن‌هایی که در نوشته‌هایشان معتقد بودند اتفاقی بزرگ رخ داده و صدای منتقدان شنیده شده است. برای مثال، جمعی از کاربران واکنش به جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور که در توییت‌ر نوشته بود «امروز، هیئت وزیران با اکثریتی قاطع به استرداد لایحهٔ مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی رأی داد» اینطور واکنش نشان دادند که چرا همین هیئت وزیران دوفوریت آن را تصویب کرده‌بود. علی‌نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس نیز ظهر دیروز اعلام کرد که نامه استرداد این لایحه از سوی دولت به پارلمان ارسال شده است.

واکنش مقامات دولتی

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور: «امروز، هیئت وزیران با اکثریتی قاطع به استرداد لایحهٔ «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» رأی داد. دولت‌وفاق ملی و رئیس‌جمهور پزشکیان،

شنونده‌ی صدای مردم هستند و در برابر خواست ملت نخواهند ایستاد.»

عبدالکریم حسین‌زاده، معاون امور توسعه‌روستایی و مناطق محروم: «رئیس‌جمهوری در ابتدای جلسه امروز هیات دولت‌وقبل از شروع مذاکرات شخصاً دستور استرداد لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع را صادر کردند. حرمت

افکار و مطالبات عمومی در ذهن و روح رئیس‌جمهوری و دولت زنده است. تفاوت‌های سیاسی در شنیدن صدای جامعه‌به‌نفع ملت متبلور می‌شود.»

الیاس حسرتی، رئیس‌شورای اطلاع‌رسانی دولت: «توجه به تقد‌های شکل گرفته درباره لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی، در جلسه امروز هیات دولت استرداد این لایحه مصوب شد. همان‌طور که رئیس‌جمهور پزشکیان بارها تأکید کرده است، این دولت برای خدمت به مردم آمده و کاری نخواهد کرد که موجب نگرانی و نراحتی آنان شود.»

فاطمه‌مهاجرانی، سخنگوی دولت نیز پس از جلسه دیروز کابینه در توثیتی نوشت: «در راستای حفظ انسجام ملی و تأکید رئیس‌جمهور استرداد لایحه فضای مجازی در جلسه امروز دولت مصوب شد.»

واکنش‌های اهالی سیاست

استرداد این لایحه، واکنش‌های متفاوتی میان اهالی سیاست در طیف موافقان و مخالفان دولت و رئیس‌جمهور به وجود آورد. بعضی این اقدام را ستایش کردند و عده‌ای دیگر به شماتت پزشکیان پرداختند؛ حامیان‌ش از این جهت که رئیس‌جمهور از یک تصمیم اشتباه برگشت گفتند و مخالفان‌ش از این که چرا این لایحه را پس گرفت.

آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران: «اقدام دولت در استرداد لایحهٔ محدودکننده آزادی بیان قابل تقدیر است. هر لایحه‌ای که به حقوق ملت، آزادی‌های بنیادین و نظم ارتباطی جامعه مربوط است، نه‌تنها باید در فضایی شفاف تدوین شود، بلکه نیازمند مشارکت فعال کنشگران مدنی، متخصصان حقوقی، اصحاب رسانه‌و نهادهای صنفی مستقل است.»

محمدصادق جوادی‌حصار، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی: «این اقدام هم پس‌سنیدیده بود هم شجاعانه و برگ‌زرینی در دفتر رفتار و اعمال آقای پزشکیان است. گرچه از ارسال خطاگونه این طرح به مجلس هم نمی‌توان ساده

گذشت چراکه این کار، کار صحیحی نبود اما به سرعت متوجه اشتباه شدند و به سرعت در پی رفع خطا برآمده و در دام لجاجزی نیفتادند و صادقانه هم اعلام شد که اگر کارشناسان دانشگاهی طرح را مطالعه کنند، به‌هر تصمیمی برسند، من هم با آنان هم‌نظرم. این اقدام از این جهت بسیار خردمندانه و عاقلانه‌بود.»

محمدجواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات: «از توجه رئیس‌جمهور محترم به اعتراضات عموم مردم و استرداد لایحه اخیر، تششکر و قدردانی می‌کنم. میدورام بزودی شاهد قدرانی مردم‌دیگری از ایشان و مسئولین ذی‌ربط در راستای رفع محدودیت‌های اینترنتی که در زمان انتخابات وعده داده شد؛ نیز باشیم…»

محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب: «دولت با هوشمندی و شجاعت لایحه محدودسازی فضای مجازی را پس گرفت. اما واقعاً پزشکیان مظلوم است. در طول این چندروزه که این لایحه در فضای مجازی این قدر تنش داشت یکی از همراهانش: وزیر داد‌ستری، معاون حقوقی، معاون پارلمانی، وزیر ارتباطات، تشکیلات‌عریض و طولیل ارتباطاتی، مصاحبه‌نکرد. دولت خیلی محافظه‌کار شده.»

جلال رشیدی کوچی، نماینده پیشین مجلس: «آقای دکتر پزشکیان: از اینکه برای اولین بار در بین رؤسای‌جمهور جمهوری چنددوره اخیر، شجاعت پذیرش اشتباه را داشتید و صدای مردم را شنیدید و لایحه نامناسب و نگران‌کننده مربوط به

دولت هم ملاحظه خود را داشت و تلاش کرد به موضوع ورود کند تا اثرات خودش را بگذارد. در بحث‌هایی مانند نظارت پیش‌بینی و پسینی و موضوعاتی که مربوط به ملاحظات رسانه‌ای می‌شد، تغییراتی از سوی وزارت ارشاد انجام شده اما بخش‌های مربوط به مجازات کیفر‌آمیز، قوه قضائیه باید پاسخگو باشد. با توجه به رویه‌ای که آقای اژه‌ای دارد، اهالی رسانه می‌دانند که ایشان مابه‌ازایی است و خیلی اعتقادی به زندان برای اهالی رسانه ندارد. با توجه به روندی که طی شد، برداشت من این است که اهالی رسانه معتقدند کاری فوری انجام شده است که فقط به یک جایی برسد. اما من معتقدم اگر می‌خواهیم با توجه به شرایط جامعه اوضاع را مدیریت و ساماندهی کنیم، بهتر است که این لایحه کامل پس گرفته شود. توسط اهالی رسانه، ارتباطات و متخصصان چکش‌کاری شود و آن وقت می‌شود فیک‌نیوزها، منتشرکنندگان اخبار غلط و آن‌هایی که مسئولیت نمی‌پذیرند را مسئولیت‌پذیر و این حوزه را ساماندهی کرد.»

لاسجردی درباره اینکه فاصله کوتاه آتش‌بس یا تصویب این لایحه در دولت چقدر در واکنش‌ها موثر بوده است، اظهار داشت: «با توجه به ملاحظاتنی که در دوران جنگ و قبل از آن در دستگاه‌های مختلف در خصوص نظارت بر رسانه‌ها و پیام‌رسان‌ها وجود داشت، بسیاری از کسانی که مسئولیتی دارند در پی ساماندهی موضوع بودند، چراکه ما شاهد نوعی بی‌سامانی در این حوزه بودیم. البته در حوزه داخلی؛ چراکه حوزه خارجی تحت نظارت ما نیست. شاید اثر دولت به این معنا باشد که اگر آن‌ها ورود نمی‌کردند و نظرات خودشان را با ملاحظات۱ ارائه نمی‌دادند، دیگری که لایحه را آماده کرده بودند آن را ارائه می‌دادند و می‌خواستند قوانین و شرایط سخت‌تری اعمال کنند. شاید دولت برای این پیش‌دستی کرد که کار آن‌ها را تعدیل کند. به خصوص اینکه چنین حوزه‌هایی با مسئله افکار عمومی سروکار دارد و باید ملاحظات حرفه‌ای این حوزه را در نظر گرفت.»

واکنش‌هایی که اقصشار مختلف جامعه به این رفت و برگشت این لایحه نشان دادند، موضوعی‌ست که باید آن را فراتر از سلایق سیاسی نگاه کرد و نیازمند بررسی دقیق و عمیق است. حسن لاسجردی، روزنامه‌نگار و مدیرمسئول خبرگزاری خبرآنلاین درباره این لایحه به هم‌میهن گفت: «ارانه این لایحه یک شگفتی بود. چراکه هر کس خبری از آن شنید یا آن را تورو کرد، برایش تعجب‌برانگیز بود که چرا با توجه به شرایط فعلی جامعه و اوضاع جنگی این سیاست‌های انتقابضی مطرح شده است. چه کسانی پشت آن هستند؟ به‌خصوص اینکه بخشی از شعارهای دولت آقای پزشکیان مقداری به موضوع آزادی‌ها و بحث وفاق توجه دارد، طرح چنین لایحه‌ای طبیعتاً با واکنش روبه‌رو شد.»

او ادامه داد: «اهالی رسانه، فرهنگ و اندیشه هم در مقابل این لایحه فریاد اعتراض سر دادند که چرا چنین اتفاقی افتاده است. در این چند روز جلساتی در دستگاه‌های مختلف از جمله ارشاد به عنوان متولی حوزه رسانه برگزار شد و تلاش کردند که اهالی رسانه را در جریان بگذارند. به نظر می‌رسد که نگاه‌ها تعدیل شد. به این معنا که حرف اهالی رسانه این بود که چون این موضوع به آزادی‌های جمعی و افکار عمومی مربوط است، خوب بود که دولت، قوه قضائیه یا هر طرفی که این موضوع را مطرح کرد تا به قانون تبدیل شود، نظر اهالی صنف مربوطه و آن‌هایی که باید قانون را اجرا کنند، اخذ می‌کرد. حالت بهینه و مطلوب این است که اگر قرار است برای صنفی یا عرصه‌ای قانون گذاری شود، آن‌ها حتماً در جریان باشند و قانونگذار محضورات آن‌ها را مد نظر بگیرد. در این صورت می‌شود قانون مناسب گذاشت. اگر این کار انجام می‌شد، این فضای استرس به وجود نمی‌آمد و این لایحه با مناسبات بهتری مطرح می‌شد.»

این کارشناس حوزه رسانه تأکید کرد: «این لایحه از سال ۱۴۰۲ مانده است. در دو سال گذشته جامعه دچار تغییر و تحولات خیلی زیادی شد. جامعه به برخی تحولات واکنش سریع داشته است. به همین دلیل و با توجه به تغییرات اجتماعی تعجب می‌کنیم که چرا